

امریکا باید شاه مخلوع را مسترد دارد

وبه توطئه گری
بر ضد جمهوری
اسلامی ایران
پایان دهد

طرح پیشنهادی حزب توده ایران برای آموزش و پرورش

تجدید نظر اساسی در نظام آموزشی کشور، نخستین شرط برای رویکرد مظاهر فرهنگ استعماری و «آریامهری» از میهن ماست.

در پیشنهاد پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران برای تشکیل جبهه متحد خلق، برنامه حزب ما در تمام زمینه‌های زندگی اجتماعی، که می‌تواند زمینه‌ای برای بحث و تبادل نظر بین نیروهای انقلابی، بمنظور تنظیم برنامه مشترک جبهه متحد خلق قرار گیرد، اعلام شده است.

روزنامه «مردم» در نظر دارد که اجزاء مختلف این برنامه را، باتوجه به تجارب ۹ ماهه انقلاب بزرگ مردم ایران، تشریح کند و در معرض قضاوت افکار عمومی قرار دهد. باشد که این تلاش، به نزدیک کردن نظرها و مواضع و برنامه‌ها و سرانجام تشکیل جبهه متحد خلق، یعنی یگانه‌گامی پیروزی مبارزه بخاطر تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب، یاری رساند.

در شماره ۷۵ «مردم» طرح پیشنهادی حزب توده ایران درباره «اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، در شماره ۷۹ «مردم» طرح پیشنهادی حزب توده ایران برای «پاکسازی و نوسازی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران» و در شماره ۸۳ طرح پیشنهادی حزب توده ایران برای «حل مشکل مسکن پیسود زحمتکشان» در معرض قضاوت افکار عمومی قرار گرفت.

اینک طرح پیشنهادی حزب توده ایران برای آموزش و پرورش ارائه میگردد:

بقیه در صفحه ۳

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۸۸

شنبه ۱۹ آبان ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰ رزبال

موج تظاهرات ضد امریکائی در ایران ادامه دارد

در راهپیمائی بزرگ مشهد علیه امریکا، مردم شعار دادند:

کارگر، بزرگ‌تر، دشمن تو امریکا



گوشه‌ای از راه پیمائی مردم مشهد

اخطار دادستان کل انقلاب به محمدرضا پهلوی، برای معرفی خود به دادگاه، مورد پشتیبانی کامل مردم است

محمدرضا پهلوی، اعمال حق مردم ایران برای دستگیری، محاکمه و مجازات مردی است خالص، قاتل، شکنجه‌گر و زود، آنچه نه در یک مورد و نه در باره یک فرد، بلکه در هزارها مورد و در باره یک ملت! و بهمین جهت این اخطار، این اعمال حق مورد پشتیبانی کامل مردم ایران است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، که در اعلامیه مورخ ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ خود درباره لزوم استرداد شاه مخلوع از امریکا به دادستان کل انقلاب اسلامی ایران پیشنهاد کرده بود که «شاه مخلوع ولو غیاباً محاکمه شود و حکم محکومیت او صادر گردد» بنوبه خود از این تصمیم درست و بجای و به حق دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران خوشحال است و آنرا مورد تأیید کامل قرار میدهد.

دادستانی کل انقلاب اسلامی ایران از وزارت امور خارجه خواست که اخطار به دادستانی را به محمد رضا پهلوی اعلام دارد. در این اخطار به آمده است که چون محمدرضا پهلوی به اتهام دستور کشتار هزاران تن از فرزندان بیگانه و بر و مندا سلام در ایران و شکنجه و حبس آنان و حیثیت و میل بیت المال وسیله خود و ایجاد سرسپردگی و تساهل حکومت ضد مردمی و مسلط کردن بیگانگان استعمارگر و چپاولگران بین المللی بر جان و مال ملت ایران و صدها اتهام دیگر تحت تعقیب دادستانی انقلاب اسلامی است و ویرانده‌اش در دست رسیدگی میباشد، وی باید سریعاً خود را به دادگاه انقلاب اسلامی ایران در تهران معرفی نماید.

اخطار دادستانی کل انقلاب اسلامی ایران به

یاسر عرفات اظهار داشت: پشتیبانی اتحاد شوروی بمانیر و میدهد

رئیس شوروی لئونید برژنف، در پیامی که به این کنفرانس ارسال داشته پشتیبانی اتحاد شوروی را از مبارزه حق طلبانه خلفای عرب و خلق عرب فلسطین دوباره تأیید کرده است. یاسر عرفات، سدر کبته اجرائیه سازمان آزادیبخش فلسطین، طی نطق خود در این کنفرانس خاطر نشان کرد که پشتیبانی و حمایت دوستان خلفای عرب، که اتحاد شوروی در راس آنها قرار دارد، در مبارزه با نیرو می‌بخشد. یاسر عرفات تأکید کرد که بدون حل کامل مسئله فلسطین و تحقق خواستهای خلق فلسطین منبسط تشکیل دولت مستقل ملی، بحران این منطقه حل نخواهد شد و صلح در این منطقه برقرار نخواهد گردید.

در لیبون پایتخت پرتغال، کنفرانس جهانی همبستگی با خلفای عرب برگزار گردید. در این کنفرانس نمایندگان محافل اجتماعی کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیست و جنبش‌های راهائی بخش ملی شرکت کردند. رئیس کمیته صلح و همکاری بین المللی و رئیس جمهور پیشین پرتغال گوشتا گومیش طی نطق خود در این کنفرانس اظهار داشت:

استحکام و گسترش همبستگی بین المللی با خلفای عرب و بویژه خلق عرب فلسطین در شرایط کنونی که در نتیجه موافقت نامه‌های «کمپ دیوید» بحران خاور نزدیک حادث شده، حائز اهمیت فراوانی است.

آمریکا! آمریکا!

شاید شما هم فیلم انگلیسی افشاگری را که چهره «سیاه» این مظهر حقیقی امریکای امپریالیستی را، کمابیش برملا می‌کند، در هیمای جمهوری اسلامی دیده‌اید. نام بردن یکی از سرسپردگان سابق این لانه ابلیس، گوینده مرکزی این فیلم است. فیلم شما را با توطئه‌های مخوف و خونبار سیا در ایران (سرتکونی حکومت مصدق)، مصر (توطئه قتل عبدالناصر) کوبا (یورش به خلیج خوکها) لائوس (اعزام ارتش مخفی برای کشتار مردم) گولیان (توطئه برای سرتکونی دولت خلقی ژیکان) شیلی (توطئه تحت نظر کیسنجر برای سرتکونی دولت خلقی آلبنده) آشنا می‌کند.

اینها تنها چند فصل از کتاب قلموری است که روی آن نوشته شده است، «تبه‌کارهای ترسناک سیا». شما در این فیلم می‌بینید که چگونه سازمان «ناساندوست» امریکائی بنام «اداره هماهنگی فیکس» کارش خریدن سرهای بریده «ویت‌کنگ‌ها» در ویت نام است، زیرا او وزیر جنگ وقت امریکا، مک‌نامارا، تنها طبق شماره چسبدها حساب پیروزی را نگاه میداشته است. در فیلم از این کتگوری لزاننده بین یک امریکائی و مک‌نامارا یاد شده است. آقای مک‌نامارا، من احساس می‌کنم که در ویتنام شکست می‌خوریم.

۱۴ ماه حتماً پیروز می‌شویم. شما از روی احساس حرف می‌زنید، ولی من از روی آمار حرف می‌زنم.

آمار آمارهای بریده و چسبدها نشان میدهد، ویت‌کنگ‌ها در ده‌هه‌های لای و دیگر نقاط

شما در این فیلم توطئه سقوط مصدق بدست سیا و تحت سرپرستی کیم روزولت را می‌بینید. شاه را می‌بینید که بکمک چاقو کتر معروف شهبان جعفری، فاشسته معروف ملکه اعضادی، جاسوس معروف اردشیر زاهدی و یکی از عمال سیا موسوم به سوار تکس، از فرار تنگن خود بازگشته و یاد در غیب وارد تهران شده و آنکاه او را پس از گذشت دست سال بعنوان «خدایگان آریامهر» در کنار فرح دیبا در ورزشگاه بزرگ تهران می‌بینید. او حالا دیگر بزرگترین فرعون امریکائی است و مدعی است که «تمدن بزرگ» را در ایران پیاده می‌کند و نمره می‌کشد که ژانیدارم اقیانوسهاست.

فیلم انگلیسی در پایان می‌خواهد نشان دهد که کوبا پس از افشاح «زاترگیت» قوانینی گذشته است که قدرت «سیاه» را محدود می‌کند. بیا هم و این خوش بین سازی مصنوعی را به فیلم انگلیسی واگذاریم، زیرا خودما همین روزها در کشور خود مناظر دیگری می‌بینیم، ما شاهد آن هستیم که کاردار سفارت امریکا در تهران، (که خود یکی از ماموران عالی‌رتبه سیا است) چگونه برای نجات کارمندان لو رفته خویش، پس از تصرف لانه جاسوسی امریکا بدست دانشجویان مسلمان پیروز خط امام، مذبحخانه دست و پا میکند.

در این لانه جاسوسی، کومپیوترهای بی نظیر و یگانهای بود که در دستگاه حافظه‌اش نامهای آشنای بسیار ثبت بود. در این لانه جاسوسی ماشین مخصوصی برای «آرد کردن» اسناد و مدارک جاسوسی وجود داشت. تفنگداران دریائی در این باصطلاح «سفارت»، یک زرادخانه کوچک، بمب‌های گاز اشک‌آور، کابین‌های شیشه‌ای برای مذاکرات سری، دستگاه ایجاد عایق گاز بر ضد امواج رادیویی تلویزیونهای متعدد و مدار بسته، انبار ریکسا لئو خوار بار برای ۵۰ نفر وجود داشت انسان بیاد زندانهای مخوف شاه مخلوع و اطالقیهای «تشتیت» تهرانی و آرش می‌افتد. آنها سازمان «احیت» نام داشتند و نام این هم «سفارت» بود. چه نامهای با مسامتی!

اکنون برای نجات این مرکز، کارتر شعله‌باز به تک‌دو انتاده

بقیه در صفحه ۳

در این فیلم توطئه سقوط مصدق بدست سیا و تحت سرپرستی کیم روزولت را می‌بینید. شاه را می‌بینید که بکمک چاقو کتر معروف شهبان جعفری، فاشسته معروف ملکه اعضادی، جاسوس معروف اردشیر زاهدی و یکی از عمال سیا موسوم به سوار تکس، از فرار تنگن خود بازگشته و یاد در غیب وارد تهران شده و آنکاه او را پس از گذشت دست سال بعنوان «خدایگان آریامهر» در کنار فرح دیبا در ورزشگاه بزرگ تهران می‌بینید. او حالا دیگر بزرگترین فرعون امریکائی است و مدعی است که «تمدن بزرگ» را در ایران پیاده می‌کند و نمره می‌کشد که ژانیدارم اقیانوسهاست.

فیلم انگلیسی در پایان می‌خواهد نشان دهد که کوبا پس از افشاح «زاترگیت» قوانینی گذشته است که قدرت «سیاه» را محدود می‌کند. بیا هم و این خوش بین سازی مصنوعی را به فیلم انگلیسی واگذاریم، زیرا خودما همین روزها در کشور خود مناظر دیگری می‌بینیم، ما شاهد آن هستیم که کاردار سفارت امریکا در تهران، (که خود یکی از ماموران عالی‌رتبه سیا است) چگونه برای نجات کارمندان لو رفته خویش، پس از تصرف لانه جاسوسی امریکا بدست دانشجویان مسلمان پیروز خط امام، مذبحخانه دست و پا میکند.

در این لانه جاسوسی، کومپیوترهای بی نظیر و یگانهای بود که در دستگاه حافظه‌اش نامهای آشنای بسیار ثبت بود. در این لانه جاسوسی ماشین مخصوصی برای «آرد کردن» اسناد و مدارک جاسوسی وجود داشت. تفنگداران دریائی در این باصطلاح «سفارت»، یک زرادخانه کوچک، بمب‌های گاز اشک‌آور، کابین‌های شیشه‌ای برای مذاکرات سری، دستگاه ایجاد عایق گاز بر ضد امواج رادیویی تلویزیونهای متعدد و مدار بسته، انبار ریکسا لئو خوار بار برای ۵۰ نفر وجود داشت انسان بیاد زندانهای مخوف شاه مخلوع و اطالقیهای «تشتیت» تهرانی و آرش می‌افتد. آنها سازمان «احیت» نام داشتند و نام این هم «سفارت» بود. چه نامهای با مسامتی!

اکنون برای نجات این مرکز، کارتر شعله‌باز به تک‌دو انتاده

بقیه در صفحه ۳

دو سیاست در برابر یکدیگر قرار گرفته است، یکی سیاست توطئه گرانه امریکا بر ضد انقلاب ایران و دیگری سیاست انقلاب ایران بر ضد سیاست استیلاطلبانه امریکا. هدف سیاست توطئه گرانه امریکا شکست انقلاب ایران و بر کماری مجدد نوعی رژیم طاغوتی دست نشانده در کشور ماست. هدف سیاست انقلاب ایران قطع ریشه‌های سلطه امپریالیسم، تثبیت، تحکیم، تعمیق و تضمین استقلال ایران در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی است. مقابله و نبرد بین این سیاست در این اواخر بساز شد و حدت خود رسیده و این حدت و شدت در مسئله پذیرش شاه مخلوع و امتناع از تحویل او از سوی امریکا و خواست بی چون و چرای انقلابی مردم ایران باسترداد او متجلی شده است.

پذیرش شاه مخلوع در خاک امریکا جزئی است از توطئه گری همه جانبه امپریالیسم امریکا بر ضد انقلاب راهابختش ما. امتناع کارتر، رئیس دستگاه اجرائی امپریالیسم امریکا، از تحویل او، بیانگر تصمیم بادامه توطئه گری بر ضد انقلاب ما است. به همین دلیل امام با قاطعیت انقلابی اعلام داشته‌اند که شرط برقراری هرگونه تماس با امریکا تحویل شاه مخلوع و قطع توطئه گری امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است. بدین سان و باین دلیل مسئله تحویل شاه مخلوع بصورت مسئله گری در آمده است.

بقیه در صفحه ۲

حزب توده ایران
راه حل مسالمت
آمیز و مبتنی بر
رفع ستم ملی از
خلق کرد رایگانه
راه حل مسئله
گردستان میداند
و آماده است در
این راه، با تمام
نیرو و امکانات
خود، به شورای
انقلاب کمک کند

در صفحات
بعد:

- طرد فنوئولیسیم، حل مشکل زمین برای دهقانان و سامان دادن بنه مسئله کشاورزی - از این برنامه شورای انقلاب فعالانسه حمایت می‌کنیم صفحه ۳
- «بن بست» وابستگی و راه خروج از آن صفحه ۴
- بیست و پنجمین سال شهادت دکتر حسین فاطمی، فرزندان نامدار خلق صفحه ۴
- مالوئیست‌ها به کمک افشین، شکنجه‌گر ساواک آمدند! صفحه ۲

آمریکا باید شاه مخلوع را به ایران تحویل دهد

طرد فئودالیسم

حل مشکل زمین برای دهقانان و سامان دادن به مسئله کشاورزی

از این برنامه شورای انقلاب فعالانه حمایت میکنیم

اعلامیه شماره ۲ شورای انقلاب، برنامه کار خود را برای «فرصت محدودی که عهده دار اداره امور شده است» اعلام کرد و همه دهقانان زحمتکش ایران و کلیه علاقمندان به سرنوشت کشاورزی ایران با خرسندی دریافتند که مسئله کشاورزی، و در هسته مرکزی آن، مسئله زمین برای دهقانان و نبرد علیه مالکان بزرگ از جمله مسائل اساسی مورد نظر شورای انقلاب و از اهم برنامه‌های این «فرصت محدود» است.

این اعلام بویژه از آن جهت مورد استقبال قرار می‌گیرد که در دولت گذشته و در زیر تصدی آقای ایزدی، که خود بزرگ مالکی صاحب سرمایه و دارای اندیشه‌های غیر انقلابی، ضد دهقانی، غیر اسلامی و ارتجاعی بود، تدابیر لازم اتخاذ نشد.

مسئله بسیار حاد و مبرم بود دهقانان پس زمین و کم‌زمین، بعد از انقلاب انتظار داشتند که برنامه اصلاحات بنیادی ارضی تدوین و پیاده شود. دولت بزرگ مالکان کوتاه‌گرد، انتظار میرفت که با اعطای کمک دهقانان، با تقویت تعاونها و با با حفظ واحدهای وسیع و مدردن در دست دولت، بنیادهای خلقی دیگر - در هر جا مطابق با شرایط مشخص آن - به مسئله تسویه کشاورزی و کار آبی نظام زمین‌داری و کشاورزی توجه شود و با ذینفع شدن هر چه بیشتر دهقانان در کار تولیدی، امر بسیار مهم خود کفائی مقدور (که هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی بسیار مهم است) راه حل خود را پیدا کند.

دولت گذشته سیاست روشنی که نداشت، سهل است، با روش غلط و زیر کشاورزی چنان محیطی در دهات آفرید، که نه فقط دهقانان بحق مسلم خود - زمین - نرسیدند، بلکه اربابان سابق هم به جنب و جوش افتادند و درست مانند ماری که تا پیش آفتاب دریا حسی کرده باشد، بهر کتور آمدند و حتی جفاکاران و تفنگداران خود را با حرکت در آوردند تا دهقانان حق طلب را سرکوب کنند و زمینهای و اگداری شده را هم پس بگیرند. بر اثر سیاستهای غلط و سرانجام نرسیدن خواست حقه دهقانان، در دهات کم کم کانونهای تشنج بوجود می‌آمد، زیرا البته دهقانان نمی‌توانستند از حق مسلم و بدیهی خود - آنهم بعد از انقلاب - بگذرند و بدینوسیله مبارزه خود را ادامه میدادند. اما اربابان که در وجود مسئولان اجرایی بلند پایه، نظیر وزیر کشاورزی، حامی و پشتیبانی می‌گفتند، خود میدیدند، برای سرکوب مستضعفین میکوشیدند و میخواستند فارتگری خود را ادامه دهند و تشدید کنند.

این خطری برای انقلاب و زمینه جینی مساعدی، برای فعالیت‌های توطئه گرانهدا انقلاب بود.

حال که شورای انقلاب اعلام کرده است که یکی از مواد برنامه آن «بهرداشتن گامهای مؤثر در راه سامان بخشیدن به مسئله کشاورزی و حل مشکلات زمین برای روستائین و مبارزه با فئودالیسم» است. کلامی که شمس و وزیر - آقای ایزدی - اصولاً منکر آن می‌شد و می‌گفت در ایران فئودال و فئودالیت وجود ندارد (۱) و گویا اصلاحات ملوکانه مسئله را حل کرده است (۱) همه امیدوارند و انتظار دارند که روش قاطع و روشی در جهت دفاع از منافع دهقانان

مستضعف و بر ضد مالکان بزرگ مستکبر، برای ریشه کن کردن فئودالیسم و بزرگ مالکی فارتگر، برای حل بزرگترین مشکل دهقانان، که همان زمین باشد، اتخاذ گردد.

شورای انقلاب درد را بدینوسیله تشخیص داده و راه درمان را هم شناخته. اکنون موقع عمل در این «فرصت محدود» است. در واقع هم فرصت محدود است، نه فقط از نظر مدت کار شورای انقلاب به مثابه دستگاه اجرایی، که آقای بهشتی آنرا حدود دو ماه اعلام کرده است. فرصت هم چنین از نظر کار و کشت کشاورزی هم محدود است. یعنی باید هر چه زودتر و قاطع تر مسئله را بسود دهقانان و از راه واگذاری زمین یا تشکیل تعاونی با ایجاد واحد بزرگ، مطابق با شرایط ویژه هر منطقه و محل و نوع کشت حل کرد، تا امر کشت به موقع انجام گیرد.

در همین نقاط مسئله بسیار حاد و حساس است و لازمست که فوراً توجه شورای انقلاب را با آن جلب کنیم. مثلاً در ناحیه گرگان و گنبد، تا آخرین ماه و حداکثر تا دهم آذر، امکان هست که کار کشاورزی انجام شود و پس از آن دیگر دیر خواهد بود. هم اکنون در این مناطق، سیاست ضد دهقانی و پرازمناشات دولت سابق کار زراعی آغاز نشده است. دهقانان میکوشند تا تکلیف زمین معلوم نشود، دست بکار نخواهیم زد و زمین همیتطور مانده است و البته به مالکان هم اجازه شروع کار را نمی‌دهند.

باید تکلیف را هر چه زودتر - و همانطور که شورای انقلاب اعلام کرده - در جهت مبارزه با فئودالیسم، با مالکان بزرگ و با زمیندارانی که بر صدها هکتار چرک انداخته و زار و خرابی بر گران را استثمار میکنند، اقدام نمود. باید زنجیر مالکیت‌های غیر عادلانه بر زمین را بسود زارع شکست. باید دست او را باز کرد تا کار زراعی آغاز شود و صدها هزار هکتار این منطقه زیر کشت رود و تولید آغاز گردد. این یک مسئله حیاتی برای کشور است، بویژه که در صد قابل توجهی، شاید حدود یک هشتاد درصد (نزدیک به ۶۰٪ از ارض) از زمین منطقه گرگان و گنبد بدست می‌آید، چه رسد به پهنه و قریه.

اتخاذ روش انقلابی در مورد حل مشکلات زمین - همانطور که شورای انقلاب بدینوسیله سمت آنرا تعیین کرده - مبارزه با فئودالیسم و بزرگ مالکی فارتگر را ایجاد میکند. برنامه شورای انقلاب در فرستادن محدودی که دارد هر قدر زودتر و هر قدر قاطع تر در زمینه ارضی و کشاورزی اجرا شود، بسود مردم، بسود دهقانان زحمتکش، بسود انقلاب خواهد بود. مردم انقلابی ایران و دهقانان زحمتکش در نقطه مقابل سیاست عملی وزیر سابق، که حامی بزرگ مالکان و منکر فئودالیسم بود، بدون تردید از این برنامه اعلام شده حمایت خواهند کرد.

طرح پیشنهادی حزب توده ایران برای آموزش و پرورش:

تجدید نظر اساسی در نظام آموزشی کشور، نخستین شرط برای رویدن مظاهر فرهنگ استعماری و «آریامهری» از میهن ماست.

هدف آموزش راهنمای تحصیلی باید آن باشد که با تسبیح استادان دانش آموزان و هدایت آنها برای انتخاب رشته تحصیلی، قادر مورد نیاز کشور در رشته‌های گوناگون، طبق برنامه صحیح در سطح کشور فراهم شود.

به آموزش حرفه‌ای با هدف تأسیس کار متخصص فنی در رشته‌های صنعتی، کشاورزی، آموزشی، اداری و خدمات باید توجه خاصی مبذول شود و بساط شبکه مدارس حرفه‌ای در شهرها و روستاها، با ایجاد مراکز سیار آموزش حرفه‌ای، با تشکیل دوره‌های آموزش کوتاه مدت بر حسب نیازمندیها و با تربیت کارمندی حرفه‌ای، این منظور تحقق پذیرد.

آموزش متوسطه، که وظیفه آماده ساختن نوجوانان ما را برای ادامه تحصیلات عالی برعهده دارد، باید از نظر کیفی و هم از نظر کمی بهبود یابد و کار آموزش علمی و فنی آن تأمین گردد.

در عرصه آموزش و پرورش باید بویژه به مناطق عقب‌نگاهدانته شده مانند شهرهای کوچک، روستاها و مناطق مرزی، که دچار تبعیض فرهنگی بوده‌اند، توجه کرد.

برای خلقها و اقلیت‌های ملی باید سیستم فرهنگی ملی ایجاد شود و آنها امکان یابند که از کودکی به زبان مادری خود بیاموزند و سخن گویند.

آموزش ابتدایی از طرف جمهوری اسلامی ایران برای تمام کودکان باید اجباری اعلام شود.

از آنجا که بیسواد در سطح کشور بیش از ۶۵ درصد و در مناطق روستایی بیش از ۸۰ درصد است، جمهوری اسلامی ایران باید توجه عاجلی به این مشکل بزرگ اجتماعی معطوف دارد و کلاسهای سوادآموزی را در سراسر شهرها و روستاها سازمان دهد. نسبت زبان بیسواد، بعلمت فقر خانوادها و سنت‌های زیان بخش گذشته، بر اثر پیش از مردان است. برای پیش کردن این فاصله، بیکارمونی با این بلیه اجتماعی و مبارزه با موانع گوناگونی که در این راه وجود دارد، باید بویژه مسئله سوادآموزی زنان مدنظر قرار گیرد و در سراسر کشور امکانات مساعد فراهم شود.

توجه به ورزش که برای سلامت تن و روان مردم از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است، از نظر فیزیکی و فرهنگی باید برای تربیت جوانان با روح علاقه به ورزش آماده و مجهز شوند و باشگاهها و تاسیسات ورزشی توسعه یابند.

در دبستانها و دبیرستانها باید محیط آزادی بیان و عقاید و نظریات گوناگون تأمین شود. کودکان تنها در جریان یک گفت‌وگو و خلاقیت‌سازنده میتوانستند با مکتب گوناگون فلسفی آشنا شوند، قدرت انتخاب پیدا کنند و در از ناسره باز شناسند. متنوعیت بحث‌سیاسی و تقویت عقاید دانش آموزان و مریان شایسته جمهوری جوانان نیست و بنابراین اجازه داده شود که ارضیه تکلیف بار رژیم استبدادی شاه مخلوع در محیط مدارس به حیات خود ادامه دهد.

شوراهای مدارس و اتحادیه‌های دانش آموزان و نهادهای شورایی برای تأمین حقوق دمکراتیک کودکان و نوجوانان مادر محیط تحصیلی است. در شوراهای مدارس، دانش آموزان امکان خواهند یافت که با اعزام نمایندگان منتخب خود به شوراهای، در اداره امور مدرسه خویش مشارکت داشته و صاحب نظر باشند و در اتحادیه‌های دانش آموزان، که سازمانی مرکب از دانش آموزان یک مدرسه است، برای دفاع از حقوق منفی و تحصیلی خود فعالیت کنند.

و سرانجام با ایجاد کانونها و قراوتخانه‌های دولتی عمومی در سراسر کشور و حتی استفاده رایگان برای تمام مردم، باید به استیلاء سطح سواد و فرهنگ عمومی کمک کرد.

یکی از عمده ترین اهداف انقلاب ایران، که انقلابی علیه تمامی وجوه سلطه امپریالیسم در میهن ماست، عبارتست از زدودن مظاهر نفوذ فرهنگ استعماری و «آریامهری» در آموزش و پرورش کشور، که طی دوران حاکمیت سلسله پهلوی در نسوج آن رخنه کرده و آنرا بیمار ساخته است.

نخستین گام در این راه تجدید نظر اساسی و بنیادی در نظام آموزشی کشور است، تا کودکان ما را از سد آموزشی، کج آموزشی، بی‌اطلاعی، کم‌سوادی و بیگانگی با مسائل زندگی واقعی رها ساخته، آنانرا با احساس مسئولیت اجتماعی و اخلاقی، اعتماد بنفس، زیستن به اراده، عشق ب مردم و میهن، دوستی میان خلقها، صلح و همبستگی جهانی پرورد و آنانرا چنان آموزش دهد که دانسته‌های امروزشان، دستگیر خود و کشورشان در دنیای فردا، دنیای قرن ۲۱ که قرن اعجاز علم و تکنیک است، باشد. فراموش نکنیم که کودکان امروز، مدیران و رهبران فردای جامعه‌اند و ما باید از امروز آنانرا چنان آموزش دهیم و چنان برایشان برنامه‌ریزی کنیم، که سگنداران شایسته‌ای برای فردای کشور باشند و میهن خویش را بسوی مرزهای معالی پیشرفت و تکامل راهبر شوند.

تجدید نظر در نظام آموزشی جهات گوناگونی دارد. نخست باید کتابهای درسی را از نو نوشت. چنان نوشت که محتوی آن، هم بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ما باشد و هم معلومات لازم را متناسب با ضرورت جهان کنونی و فردای ما، که جهان پیشرفته‌ای حورت‌زای دانش و فن است، بکودکان ما بدهد. به آنان با موزدهای برای هر کردن دره عمیقی که میهن ما را از کشورهای پیشرفته‌ای جدا ساخته، چگونه راه رشد، بگذارد. برنامه‌ریزی، بجهت کار انسانی و بجهت ایثارها و فداکاری‌های فردی و جمعی، طی دهها سال، نیازمندیم. بنابراین کتابهای درسی ما باید بازتاب نیازهای انقلاب و نیازمندیهای امروز و فردای میهن ما باشد.

برای آنکه ذهن کودکان ما از سراسر انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک منحرف نشود و شور و انقلابی کودکان و نوجوانان ما حاکم با تعمیق انقلاب، عمق و گسترش یابد، باید با کسای و وسیله‌های در آموزش و پرورش و در میان کارآموزی این وزارتخانه انجام گیرد. مدیران، آموزگاران، دبیران و کارمندی که تبلیغ گر نظام منحرف شاهنشاهی، و انقلاب سفید، و پرستش کیش شخصیت محمدرضا پهلوی بوده و در این عرصه شتاق کرده‌اند، از کار برکنار شوند و جای آنها را کسانی بگزینند که مومن به انقلاب و حامل اندیشه‌های انسان‌دوستانه و مترقی‌اند.

از آنجا که انقلاب ما، انقلابی در راستای دفاع از منافع زحمتکشان و قشرها و طبقات محروم و کم درآمد است، باید شهری به بطور کلی ملغی شود و طبق اصول معیشت قانون اساسی جمهوری اسلامی، آموزش از دبستان تا دانشگاه رایگان اعلام شود و به فرزندان کارگران، کشاورزان و کارمندان و پیشه‌وران کم درآمد، کمک هزینه تحصیلی پرداخت گردد.

برای آنکه سطوح آموزشی در همه دستاها و دبیرستانها یکسان شود، باید مدارس خصوصی به مدارس دولتی تبدیل گردند، تا همه کودکان کشور، صرف نظر از میزان درآمد خانوادهاشان از آموزش برابر بهره‌گیرند.

ما پیشه‌داریم که شبکه آموزش و پرورش از کودکان در کشور تا دانشگاه گسترش یابد:

باید با ایجاد شبکه کودکان کستانها نه تنها در تهران و شهرهای بزرگ، بلکه در مناطق دورافتاده و روستاها این امکان را فراهم آورد که مادران شغال، امه از کارگر و دهقان و کارمند، بتوانند کودکان خود را به کودکان کستانها بفرستند. برای تحقق این امر میتوان با ایجاد دوره‌های کوتاه مدت آموزشی و استفاده از هزاران دیپلمه بیکار، مریان شایسته‌ای برای کودکان آنها تربیت کرد.

آموزش ابتدایی، راهنمای تحصیلی، حرفه‌ای و متوسطه نیز باید در سراسر کشور تعمیم پذیرد، تا میلیونها کودکی که در پشت درمدراس مانده‌اند و با امکان ادامه تحصیل نداشته‌اند، امکان آموزش برایشان فراهم گردد.

سندیکای مستقل کارگران درودگری‌های تهران و حومه از مشی قاطع ضد امپریالیستی امام پشتیبانی میکنند

سندیکای مستقل کارگران درودگری‌های تهران و حومه طی اعلامیه‌ای پشتیبانی خود را از زخم‌خشی قاطع ضد امپریالیستی امام خمینی و اقدام شجاعانه و ضد امپریالیستی دانش‌جویان بی‌روخط امام در دستخیزانه جاسوسی و توطئه امپریالیسم امریکای آمادگی خود را برای ادامه مبارزه تا نابودی کامل امپریالیسم اعلام داشته‌اند.

آیا راست است که:

رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل مخابرات ایران در یک سخنرانی که در اوائل شهریور در مخابرات مرکز ظفر صورت گرفت، گفت که، شورا حق اجرایی ندارد، و اضافه کرد که، در مخابرات تهریز شورای کارکنان چند نفر را که ساواکی بودند، اخراج کردند و افراد شورا را منحل کرد و افراد آنرا اخراج نمود، چون که شورا باید با من مشورت کند و من باید دستور بدهم، چون ما متخصص نداریم بجای این افراد ساواکی بگذاریم فعلاً آنها را جایجا همکیم تا وضع مشخص شود؟

آیا راست است که:

هم اکنون رئیس و سرپرست مرکز مخابرات ظفر، واقع در خیابان ظفر، که عضو ساواک بوده و نام او مبلغ مقرری ماها نه‌بود و لیست اسامی ساواک درج است، همچنان در سمت خود باقی است؟ نامبرده توانسته است با جا زدن خود به عنوان یک انقلابی به ریاست صندوق تعاونی کارکنان مخابرات هم تمین شود؟

زمان تأثیر میکند، یعنی سلاح اندیشه‌های گمراه‌ساز، سلاح سفله‌های حقیقت‌نا، دروقتهای درخشان و «انقلابی».

چه اندازه از اضعاف این ارتش تخریب‌ایدنولوژیک، استادان تئوریهای «چپ» و راست، حامیان «آزادی» و دشمنان «سائور»، مدافعان دین و دشمنان کفر، اکنون در بیرون از دیوارهای سفارت جلیله، درخیا بنهای شهرها و روستاهای ایران راه می‌روند، میتینگ میدهند، نمره می‌کشند و طبلکوبند؟

مجلسهٔ اوسون‌بای‌تک در آلمان فریب‌ناوش، «ایسن جنک ایدنولوژیک» یک مبارزه مرکوز زندگی است که دافی آن کمتر از جنک واقعی نیست. این جنک نوع دیگری سرباز احتیاج دارد. در جناح راست آن کسانی مانند جنرال ترومن، مک‌کارتی، کاتر، تچرو نهاده‌اند، است و گاه از همارا کیسه - لنینیسم - دم میزنند. چنانچه اگر نه ایست که کالای راست را در پیسته بندی «چپ» بهتر میتوان فروخت؟ موفقی که رئیس سابق سیا، «بول کلی»، را در کمیسیون مخصوص کنگره امریکا مورد بازپرسی قرار داده بودند، «تهویوردک تایمز ماکزیر» دربارهٔ او (که اعتراف کرده بود طبق دستور او طی دو سال و نیم، بیست هزار ۵۸۷ نفر «ویت‌کنک» در ویتنام، موافق نقشه معروف «فونکس» کشته‌شدند)، نوشت: «همچیک از دوستان و آشنایان کلی و همچنین انتقادکنندگان او در کنگره، این قدرت تخیل وحشیانه‌را ندارند که خودبیل‌کلمر دارد او هنگام شکنجه خودش شخصاً سهمدار با اسافل اعزاء قربانی خود وصل میکند و سپس خودش شخصاً سپهرا بپرق متصل میسازد. عجیب‌ابیل‌کلی! می‌توانست از این آخر او در دانشگاه «پریستون» درس خوانده‌است!»

در این طنزگرنده، تمام امریکای شیک و پول‌دار رسنتمی‌مدردن و تحصیل کرده‌آری، دانش‌آموختگان «پریستون» جلوه‌های عالی «تمدن» امریکایی هستند، و شکنجه‌گر و قصاب ویتنام، «بول کلی»، یک نمونه از آنهاست.

امریکا! امریکا! خوشبختانه امروزه همراه شاعر میتوان گفت، ستارگان از پرچم استعماری تومی‌گریزند، زیرا آفتاب پروری خلق‌ها بر می‌آید.

دیگر را برای اختناق انقلاب ایران بکار می‌برد. «شهبان زرده» در این امور تمرین طولانی دارد.

«کرکلیا تریک»، مدیر سابق بخش اجرایی «سیا»، در کتاب خود موسوم به «سهمای واقعی سیا» (نیویورک - ۱۹۶۸) می‌نویسد: «جاسوسان امریکایی در سنکوتی دولت مسدود در ایران (۱۹۵۳)، برافکنند دولت آریستری در گواتمالا (۱۹۵۳)، مقدسه‌های نظامی در کنگو (۱۹۶۴) - (۱۹۶۲)، اجراء کودتا در اندونزی (۱۹۶۵) در فضا (۱۹۶۶) در یونان (۱۹۶۸) شرکت داشته‌اند». این فهرست در ده سال اخیر با زهم بسط یافته‌است.

رئیس سابق «سیا»، آن‌دالسی، یکی از معماران کودتای ۲۸ مرداد، در کتاب «فنی» خود موسوم به «هنر جاسوسی» (سال ۱۹۶۳) یادآوری میکند که جاسوس باید با وسایل لازم‌کار مانند رادیو، اسباب‌خاص محرمانه نویسی، محافظه‌های مخصوص پنهان کردن اشياء، دفترچه اعداد رمزی، زهر، پول زیاد محلی، اسلحه مؤثر کشتنی، شناسنامه جعلی، اسناد و اوراق سفید محلی برای پر کردن آن به‌تکام اقتضا، مجهز باشد و می‌افزاید: «جاسوس باید بخوبی آذونات، آداب، قوانین، جاده‌ها، شرایط ثبت نام در هتل‌ها، شرایط توقف در جاده‌ها و حرکت و سفر در کشور با انواع اقسام ممکن وسایل نقلیه، با اطلاع باشد... اگر دستگاه اکتشافی نمی‌تواند عامل خود را (جاسوس را) به محلی که آنرا با وقت محافظت میکنند بفرستد، راه دیگری ندارد جز آنکه افراد محلی را اجیر کند. ممکن است که این شخص در محل خود نتواند اطلاعات مورد نیاز را در دسترس ما قرار دهد، ممکن است کارش فقط این باشد که بکنک او فعالیت ما در محل تازه بتواند زمینه‌سازی شود، شروع شود. این مهم نیست، مهم آنست که این فرد بومی سوعظن ما را بر نماند. نامچه تعدادی از این افراد بومی» که سوعظن امریکا را بر نمی‌انگیزند و نمی‌انگیزند، در حافظه الکترونیک کومپوتر سفارت امریکا در تهران ثبت بوده اگر حدس زدید؟ این که گفتیم، جاسوسان حرفه‌ای سیا هستند. سیا یک نوع دیگر عامل نیز در دورانیهای اخیر پرورده است که اینها را اصطلاحاً «عمال تخریب‌ایدنولوژیک» می‌نامند. میکوشند تعداد آنها اکنون از ارتش نظامی کمتر نیست! سلاح آنها زهری است که با کندی و ملی

آمریکا! آمریکا!

بقیه از صفحه ۸ است و تنها لحن بر او بی‌برو برگرد امام خمینی است که این روباها ن گره گسفت را «دچار یاس می‌کند، واقماً آخر دنیا است! ازبایران، این فرقه‌ها آرام کرده‌گیران امریکایی، اکنون چه بانگهای ناآشنائی بر می‌خیزد!

امریکا نه تنها در مورد وطن‌ها، بلکه مدتهاست که دربارهٔ همه کشورهای جهان نقش قلندر و زاندارم بازی میکند. از قریب ۳ میلیون سرباز ارتش امریکا، یک میلیون نفر در صد کشور جهان پراکنده‌اند. بیش از دوهزار موشک دورزن جهان‌پهنا در این کشور آماده شلیک است. قریب هزار موشک جهان‌پهنا دیگر در زیر دریایی‌های اتمی حمل میکنند. بودجه نظامی سالانه امریکا اسال به ۱۳ میلیارد دلار رسیده است. از زمان تشکیل پیمان تجاوت کارانهٔ آتلانتیک شمالی تا ۱۹۷۶ امریکا و متحدینش بیش از سه تریلیون دلار (سه هزار میلیارد دلار) خرج تسلیحات کرده‌اند ۱ ارقام سرگجه‌آور!

حساب کنید که اگر این سه هزار میلیارد دلار، بجای آنکه خرج تخریب‌شود، خرج آبادانی جهان میشد، اکنون ما کجایی کار بودیم؟ «چارلس داللی»، یکی از کارشناسان سیاست خارجی امریکا، در کتاب خود موسوم به «وسایل سیاست خارجی امریکا» صاف و روشن می‌نویسد:

«نیروهای مسلح افزاینده سیاست خارجی ملی ماست. ولی امروزه خطر آن کار برد آنها، دولتهای جهانی را دامیدارد که بیش از سابق بوسایل دیگری برای نیل به هدفهای سیاسی خود متوسل شوند. این وسایل عبارتست از: استفاده از فشار سیاسی، اتخاذ تدابیر اقتصادی مانند وام و «کمک» و رشوه، تحمیل قراردادهای نامساعد بازرگانی و همکاریهای فنی، کاربرد شیوه‌های روانی مانند تبلیغات، تهدید، نشان دادن زست حسن نیت و گاه اقداماتی در عرصهٔ سیاست داخلی، که بتواند در کشورها تأثیر بگذارد. با همین وسایل دیگر است که امریکا بارها بصراع ما آمده است و حالا نیز دارد آن وسایل

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

بیست و پنجمین سال شهادت دکتر حسین فاطمی فرزند نامدار خلق



۲۵ سال پیش در خیمان شاه درسرخس راه چینی روزی، دکتر حسین فاطمی، وزیر امور خارجه دکتر محمد مصدق و یکی از فرزندان دلاور خلق ایران را در حالی که در تبعید می‌سوخت به جوخه اعدام سپردند.

دکتر فاطمی جرئت این بود که با سلطه امپریالیسم خونخوار در ایران می‌رزمید و زندگی خویش را در کمر سربکونی رژیم شاه خائن نهاد بود.

شاه خائن که بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد می‌خواست پادشاهی سلطنت خود را استوار کند، چون جانور بیرحمی خون می‌طلبید. خونی که رژیم شاه آمریکا می‌خواست، خون دلاورترین و رزمنده ترین فرزندان خلق بود. خون آنها که با تمام وجود علیه این رژیم جبار رزمیده بودند. از این رو رژیم در ۱۷ آبان سال ۱۳۳۳ گروه سوم افسران سازمان نظامی حزب توده ایران را به جوخه اعدام برد، به سراف مری رفت که اگر چه توده ای نبود، بعد از کودتای دامن حزب طبقه کارگر را امن ترین جا تشخیص داد و به آن پناه برد. حزب توده ایران نیز، در آن شرایط سخت، کلیه امکانات خویش را همانطور که بدهی بود در اختیار این مبارز دلاور قرار داد.

دکتر فاطمی در سال ۱۲۹۸ شمسی در نائین به دنیا آمد او در یک خانواده مذهبی رشد کرد و تحصیلات را به پایان برد، جوانی او همزمان با شکل مردم در حزب توده ایران و جنبه ملی ایران بود. دکتر فاطمی که در سال ۱۳۳۸ بعد از بازگشت از اروپا روزنامه و اختر امروزه را منتشر می‌کرد به دکتر مصدق پیروانش پیوست و روزنامه اش را تبدیل به ارکان رسمی و ناشر افکار این سازمان سیاسی کرد.

وقتی در سال ۱۳۳۰ دکتر مصدق زمام امور را بدست گرفت، دکتر فاطمی به معاونت نخست وزیر برگزیده شد در سال ۱۳۳۱ بعد از اینکه قوام توده ها، دولت دکتر مصدق را پارسیک روی کار آورد، پست حساس وزارت امور خارجه به دکتر فاطمی سپرده شد. در همین پست بود که فاطمی نشان داد براستی دشمن امپریالیسم مسلط آن عصر، یعنی انگلستان است.

دکتر فاطمی بدستور مصدق رابطه ایران را با انگلستان قطع کرد و از این همین جا بود که امپریالیستها او را مبارزی ضد امپریالیست که تا پایان درستی خود بی گن بود شناختند و کمر به قتلش بستند.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد، دکتر فاطمی به دامان حزب توده ایران پناه برد و همراه یاران حزبی مامف شد. اما دشمن در زمستان همان سال بعد از جستجوی فراوان او را یافت و به زندان انداخت.

دکتر فاطمی در بهار ۱۳۳۰ به افشای رژیم پرداخت و کودتای تنگین ۲۸ مرداد را محکوم کرد.

دشمن او را مدافع خلق دید و فرمان اعدامش را صادر کرد. سحرگاه ۱۹ آبان سال ۱۳۳۳، یک نیمه جان دکتر فاطمی را در حالی که در تبعید می‌سوخت روی برانگاز به میدان اعدام بردند.

حزب توده ایران در بیست و پنجمین سالروز این جنایت مدتش خاطر مبارز شهید دکتر حسین فاطمی را گرامی میدارد و وثنگ و نغز خود را بنام فاتلان او می‌کند.

دکتر فاطمی در بهار ۱۳۳۰ به افشای رژیم پرداخت و کودتای تنگین ۲۸ مرداد را محکوم کرد. دشمن او را مدافع خلق دید و فرمان اعدامش را صادر کرد. سحرگاه ۱۹ آبان سال ۱۳۳۳، یک نیمه جان دکتر فاطمی را در حالی که در تبعید می‌سوخت روی برانگاز به میدان اعدام بردند.

حزب توده ایران در بیست و پنجمین سالروز این جنایت مدتش خاطر مبارز شهید دکتر حسین فاطمی را گرامی میدارد و وثنگ و نغز خود را بنام فاتلان او می‌کند.

«بن بست» و ابستگی و راه خروج از آن

استدلالی ظاهراً منطقی و در نظر اول پذیرفتنی است که ابستگی همانند چنگال خرچنگ در جسم و جان جامعه مادر تمام زمینه ها فرورفته و اگر بخواهیم این خرچنگ را جدا کنیم، امعاء واحشاء موجودیت خود را متلاشی کرده ایم.

مثلاً گفته میشود که: صنایع ماعدماً صنایع مونتاژ صنایع وابسته است، چه از لحاظ قطعات یدکی و تجدید ماشین آلات فرسوده، چه از لحاظ نیمه ساخته ها و حتی مواد خام. قطع این وابستگی بمعنای قطع تولید و گسترش بیکاری است. پس بناچار باید صنایع مونتاژ همچنان به صورت صنایع مونتاژ باقی بماند.

بامثلاً گفته میشود که، سلاح ارتش نیازمند قطعات یدکی است و ارتش نیاز به سلاح دارد. اگر از خرید سلاح مورد نیاز ویا از خرید قطعات یدکی سلاح موجود خودداری کنیم، ارتش بی سلاح خواهیم داشت. پس بناچار باید تسخیر قطعات یدکی و نیز سلاح ادا مهاد و بناچار وابستگی ارتش را در زمینه سلاح پذیرفت. و یا مثلاً گفته میشود که، دستگاه دولتی ما عمدتاً طاغوتی و برای اعمال قدرت رژیم وابسته و واژگون شده ساخته شده است ولی اگر بخواهیم این دستگاه را شکستیم، کاردار کشور فلج میشود، پس باید بناچار آنرا چنانکه هست بپذیریم.

اینگونه استدلال را عناصر ضد انقلابی از روی غرض، عناصر محافظه کار از روی تنگ نظری و کوته بینی طبقاتی خود و حتی برخی عناصر، که حسرتناز دارند، بسبب درماندگی در یافتن راه حل اصولی، انقلابی و واقعی میدانند. ولی قطع نظر از نیت این استدلالیان، حاصل این منطق در یک جمله خلاصه میشود، «چون وابسته ایم، بناچار باید وابسته بمانیم، و این یک حکم ضد انقلابی است».

این حکم ضد انقلابی است، به دلیل آنکه هدف عمده انقلاب عظیم خلقی ما، رهایی از وابستگی در تمام زمینه ها، دسترسی به استقلال واقعی در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بوده است. بنا بر این اگر نخواهیم که انقلاب سترون گردد، واپس بنشیند، شکست بخورد، باید باین هدف دست یابیم. این حکم انقلاب است.

آیا میتوان باین هدف دست یافت، میتوان کشور را از وابستگی رها نمود؟ آری میتوان. چگونه؟ از راه انقلابی. برای دستیابی باین هدف باید انقلاب عمل کرد.

انقلاب عمل کردن بمعنای نادیده گرفتن مشکلات نیست این واقفیت است که ما وارث وابستگی و مشکلات عظیم ناشی از وابستگی هستیم. بر طرف کردن این مشکلات، ریشه کن کردن وابستگی نایک چرخش دست امکان پذیر نیست. ولی مسئله در اینست که این مشکلات باید از حرکت انقلابی، از پیشگامین قاطع برای بر طرف کردن مشکلات، از پیشروی مداوم و سریع در راه ریشه کن کردن وابستگی بازدارد.

این حرکت انقلابی، این پیشروی مداوم در راه کسب و تسلط بر استقلال، برنامه میخواهد، برنامه ای انقلابی در تمام زمینه ها. ولی تاکنون برنامه ای در هیچ زمینه ای برای دسترسی باین هدف تدوین نشده است. این گره مسئله است. برای تبدیل صنایع مونتاژ به منابع ملی

مستقل برنامه ای داریم؟ نه. میتوانیم بایدها بسته باشیم؟ آری. همچنین برای تبدیل ارتش وابسته به ارتش مستقل ملی. همچنین برای تبدیل دستگاه دولتی «طاغوتی» به دستگاهی که در خدمت خلق، در خدمت انقلاب، در خدمت استقلال ملی باشد. همچنین در تمام زمینه های دیگر، آموزش و پرورش، بهداشت و بهداشتی، فرهنگ و هنر و غیره.

این برنامه ها را باید تدوین کرد، آنها را منتشر ساخت، آنها را بعنوان طرح «در معرض بحث و انتقاد سازنده عموم قرار داد. در اصلاح و تکمیل و تنقیح آنها از افکار عمومی، از نظرات کارشناسان، از پیشنهاد های سازمان های سیاسی و اجتماعی مدد گرفت و بدینسان توده مردم را در تدوین نهایی برنامه ها شرکت داد و برای اجرای آنها توده مردم نیکو کرد، توده مردم را برای تحقق آنها تسبیح کرد.

این شیوه عمل انقلابی است که اگر مشکل بسان کوهی باشد، آنرا از جای بر می کند. حزب توده ایران، با احساس مسئولیت و صداقت بی خدشه، به انقلاب واحد آن، ضمن در نظر گرفتن مشکلاتی که مبراث رژیم وابسته و واژگون شده است، تاکنون کوشیده و در آینده نیز خواهد کوشید که در تمام زمینه های سیاسی، مالی، بازرگانی، آموزشی، بهداشت، مسکن و غیره بر طرف حائمی برای نوسازی در جهت بی یسزی و تامین استقلال ملی ارائه دهد. ما متوجهیم که این طرحها مورد توجه و سررسی مقامات مسئول قرار گیرد.

مادیر سازمان های سیاسی واجتماعی را نیز دعوت میکنیم که به نسبت توانی شان طرحهایی تنظیم و پیشنهاد کنند.

ما بویژه از مقامات مسئول میخواهیم که در تمام زمینه ها به تدوین برنامه های مشخص کوتاه مدت و دراز مدت برای ریشه کن کردن وابستگی ها، بر طرف کردن مشکلات ناشی از وابستگی ها، جهت تامین استقلال ملی، بی درنگ و بدون فوت وقت بپردازند و چنانکه گفته شد، آنها را به کمک مردم اصلاح کنند و با بسیج مردم دست به اجرای آنها بزنند.

از این طریق و تنها از این طریق است که نیروی انقلابی مردم در برخورد به مشکلات تحویل نخواهند رفت، برعکس، همواره مژده و پرتوان و رزمند باقی خواهند ماند. مشکلات یکی پس از دیگری، طبق برنامه مدون، بر طرف خواهند شد، نوسازی کشور پیش خواهد رفت، کشور را وابستگی رها خواهد کردید و استقلال واقعی ما در تمام زمینه ها در هر زمینه در مدت مدیدی تامین خواهد شد.

اخبار کارگری

نظری به کارخانه رادیاتور سازی ایران

این کارخانه در حدود ۳۵۰ نفر کارگر و کارمند دارد و تولیدش رادیاتور ماشین است. تقریباً ۹۰٪ مواد اولیه خود را، از نوار مس و برنج گرفته تا مواد پلاک کننده، از کشورهای غربی بخصوص سوئد وارد میکند. تاکنون چون انبار مواد اولیه پر بوده، مشغول امر تولید وجود نیامده، ولی در آینده بسیار نزدیک در صورتیکه (یاری) جدید نرسد، کارخانه خود بخود تعطیل خواهد شد.

قیمت مواد اولیه نیز افزایش یافته و کارفرما این افزایش پرداخت را مستقیماً با افزایش بهای کالای تولید شده جبران میکند. در نتیجه آخرین خرید، فرار شده است از اول آبان قیمت رادیاتور های ماشین سواری و کامیون ۱۵٪ افزایش یافته. با آنکه قرار بود این کارخانه ملی شود، هنوز صرفاً ظرت نیم بندی از جانب دولت وجود دارد و با مشکلاتی که در امر خرید مواد اولیه پیش آمده، احتمال دارد مسئله ملی شدن منتفی شود، زیرا کشور سوئد با پول نقد ۳۰۰ ملیه می کند و با ادعای برپولی دولت کشور سوئد صرفاً کار فرمایان را بشناسان. معترضین شناسد لازم توضیح است که گروه صنعتی (رنا) شامل کارخانه رادیاتور سازی ایران، کارخانه ولو و کارخانه فر سازی است در مورد کارخانه ولو و باید گفت که این کارخانه با ۵۰۰ نفر کارگر با حداقل تولید کار می کند.

کارگران اخراجی رژیم سابق رابه سرکار برگردانید

یکی از کارگران اینستگاه اوالحسن وابسته به معنای برات شرکت نفت، واقع در دشت ارباب (فارس)، شکایتی به اداره کار نسیم کرده است. آنچه از مضمون این شکایت بر می آید بطور خلاصه چنین است:

پیش از انقلاب این استگاه توسط پیمانکار اداره مسی شده است. پیمانکار، کار را رها میکند و اداره استگاه با این کارگر و یکی دیگر از کارگران مخالف است.

برای مدت ۱۱ ماه شرکت نفت حقوق «یکد میان» به این کارگران میدهد که با اعتراض آنها روبرو میشود.

با این اعتراض حقوق آنها منکلی قطع میگردد. شرکت نفت با این کارگر پیشنهاد میکند که بعنوان پیمانکار وظایف استگاه را انجام دهد، که بقول این کارگر، باید تمام سوابق کار و مزایای شغلی خود را از دست بدهد.

این کارگر حاضر نمیشود این کار را قبول کند، لذا از کار اخراج میگردد. حال مدارا انقلاب، وی مجدداً شکایتی تسلیم اداره کار کرده است.

این کارگر میگفت، هنوز پارتی، هست، ولی وضع بهتر از رژیم سابقه چون اگر رژیم سابق بود، نمی توانستیم روی حکم صادر شده اعتراض کنیم.

کارگران کارگاه تولیدی نیتا از تسخیر کنندگان لانه جاسوسی امریکا پشتیبانی میکنند

کارگران کارگاه تولیدی نیتا طی یک گرامی به «مردم» می گویند:

«مدیر و تمام کارگران کارگاه تولیدی نیتا پشتیبانی فاطم خود را از قهرمانان خدائی و خلقی که سفارت امریکا این لانه جاسوسی آدم کش را اشغال کرده اند، اعلام میداریم».

کارگران شرکت جاده سازی فروش حقوق عقب افتاده خود را میخواهند

کارگران شرکت جاده سازی فروش خواهان حقوق عقب افتاده خود هستند. این کارگران شدیداً به بی نظمی شرکت در پرداخت حقوق ماهانه معترض بودند. بنا به اظهار یکی از کارگران، ۵۰ روز از موعد پرداخت حقوق آنها می گذرد.

کارگری در خلال صحبت هایش می گفت: «شرکت ط غوثی اس، اگر طاغوتی نبود، حق کارگر را نمی خورد».

سفر تخته ها منطقی است؟

ناچرخش درستی که در جهت انقلاب ایران انجام شده، رژیم ایران آنچه را به مصلحت خود بدانند انجام میدهد. جوانان انقلابی ما سازمان های مترقی مبارز از مشد واقعی انقلاب خونین ایران که اهداف دمکراتیک و ضد امپریالیستی داشته است پیروی میکنند و به هیا هوای دشمنان ایران وقت نمی نهند.

مطلب ما از روزی که مبارزه خود را برای آزادی و استقلال و اخترا جمهوری عدل اسلامی آغاز کرد و مسیر مبارزات ضد امپریالیستی خود را با جهش عظیم پیچیده تمام این توطئه ها و دشواری ها را حس کرده بود و خود را برای رسیدن به هدفهای خود، حتی با عبور از گذر شهادت آماده کرده بود.

ما میدانیم که برای استقلال و آزادی خود باید بهائی گراف برداریم و برای پرداختن اینها که خون هزاران شهید پشتوانه آنت آماده ایم.

دولت آمریکا پیشنهاد کرده، ایران را در محاصره اقتصادی قرار دهد و از فروش مواد غذایی باین رژیم مثلاً جاس و قندر خودداری کند.

البته جزایتم از بختیار انتظار نمی رفت، باشد که دیگر آن خام طبعان داعیه وطن پرستی را از کسی که دشمن را به محاصره اقتصادی وطن خود تحریس می کند باور نکنند البته امر اتوبوط پرستی آقای بختیار از آن روز مود تر دید قرار گرفت که نمایندگان کار تر اسرار خود را در ادامه فرمانداری این راجل استخواندار آشکار کرد. باری این چاه ها بدین جا منحصر نمی شود. مطبوعات سهیونیستی و امپریالیستی ایران را به نقض قوانین بین المللی و عدول از عرف دیپلماسی متهم می کنند.

ما می پرسیم، سه سال مداخله مستقیم آمریکا در سیاست داخلی ایران آیا با قوانین بین المللی و عرف دیپلماسی سازگار بود؟ می پرسیم، آیا حضور و فعالیت هلمز و سولیوان و هوینز در امتهارها، که کارگران را سیاسی پنتاگون و سیا هستند، در ایران چگونه میتوان توجیه کرد. آیا آنها مطابق عرف دیپلماسی عمل میکنند؟ حضور تفککداران و عوامل شناخته شده سیا و کارشناسان جاسوسی برکدامیک از قراردادهای بین المللی ناظر بر فعالیت

در مطبوعات کشور

توطئه های امپریالیسم آشکار میشود

همانگونه که انتظار میرفت، اشغال لانه جاسوسی آمریکا، واکنش محافل امپریالیستی را برانگیخت و آنها را به توطئه و هیا هو علیه ایران واداشت. کدور آرزو، دانشجو یان ایرانی رابه گروگان گرفته اند. گلدواتر، دانشجو یان ایرانی از آمریکا شده است. جان کائالی خواستار قطع رابطه با دولت ایران شد.

البته هیچک از این تهدیدها مارا نمی ترسانند، حتی پیشنهاد آخری مایه کمال مسرت خواهد بود، اما آنچه در این میان مضحک است پیشنهاد راجل سیاسی وطن پرست (۱) آقای بختیار است که به

دوباره آزاد و آباد خواهد ساخت (۱-الاعات-۱۶ آبان)

مالکیت نامحدود، دروغ بزرگی است که وزیر کشاورزی به امام نسبت داده است.

استاد رضا اسفغانی صبح دیروز در حضور چند هزار نفر از دانش آموزان و دیگر طبقات مردم بوشهر در خوابگاه هنرستان سمنش این شهر و عصر دیروز نیز در استادیوم تختی در خصوص مسائل اقتصاد اسلامی و مسائل روز سخن گفتند. وی در قسمتی از سخن خود گفت: ... تضاد انقلاب اسلامی با سرمایه داری مثل آب و آتش است و اگر چه مقامات بیدانند، اما من میگویم که جامعه روی رفا را نخواهد دید مگر با پیاده شدن «قانون راجا آردو»؛ سپس درمو دمحدود بودن مالکیت از آقای اسفغانی سؤال شد از قول شیخ علی تهرانی گفتند که امام مارها و نارها فرمودند مالکیت در اسلام محدود است و مالکیت نامحدود نداریم و من تمجیب میکنم از دروغ بزرگی که وزیر کشاورزی به امام نسبت داده اند. چون امام مالکیت نامحدود را قبول ندارد ...

(انقلاب اسلامی- ۱۵ آبان)

موفقیت در مذاکرات، برای حل مسالمت آمیز مسئله کردستان، آرزوی ماست. آتش بس شرط حتمی و ضرور برای نیل به این موفقیت است